

منابع آگاهی دیپلماتیک در ایران دوره‌ی قاجار

صبح خسروی‌زاده، دانش‌آموخته دکتری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین (نویسنده مسئول)*
نصراله پورمحمدی املشی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین
حجت فلاح تونکار، استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

چکیده

"آگاهی" پروسه‌ای اکتسابی است که انسان در تعامل با دیگران و در فرآیند آموزش کسب می‌کند. در حوزه‌ی دیپلماتیک این آگاهی از ملزومات دیپلماسی جهانی به شمار می‌آید. با توجه به حاکمیت قواعد سنتی بر حوزه‌ی مناسبات دیپلماتیک ایران، نیاز به به‌روزرسانی این قواعد ضروری می‌نمود. روند تدریجی تشکیل و نهادینه شدن وزارت دول خارجه در طول دوره‌ی قاجار، این فرصت را فراهم آورد تا با برداشتن هر گامی در راستای این انسجام، منابع آگاهی‌بخش دیپلماتیک آن نیز تحول‌یافته و با سیر مدرنیزاسیون اداری این نهاد منطبق گردد. منابع آگاهی دیپلماتیک به منشأ دانش و آگاهی در این حوزه اطلاق می‌شود؛ سیر تحول این منابع مساله پژوهش حاضر است. منابع آگاهی دیپلماتیک کدامند؟ و مسیر تحول آن در طول دوره‌ی قاجار چگونه بود؟ سؤالی اساسی است که مساله‌ی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. بنابراین فرضیه‌ی تحقیق این‌گونه تنظیم شد: سیر تحول منابع آگاهی دیپلماتیک در ایران سیری است از کسب آگاهی شفاهی به سمت آگاهی مبتنی بر آموزش. تحول منابع آگاهی در دوره‌ی قاجار ارتباطی دوسویه با رشد نهاد دیپلماتیک دارد یعنی تحول در منشأهای آگاهی، تحول در نهاد را نیز به دنبال داشته است و بالعکس؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در دوره‌ی اول قاجار منشأهای آگاهی عموماً شفاهی هستند و با گسترش مناسبات خارجی، آگاهی تجربی نیز شکل می‌گیرد. در دوره‌ی تحول تشکیلات دیپلماتیک، شاهد رشد آگاهی تجربی و گام‌های آن به سوی آگاهی مبتنی بر آموزش هستیم؛ این پروسه در دوره‌ی آخر قاجار با تشکیل مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی تکمیل و منشأ آگاهی‌های دیپلماتیک به آموزش مدون تغییر می‌یابد. در جستار حاضر با روش توصیفی به سیر این تحول پرداخته می‌شود.

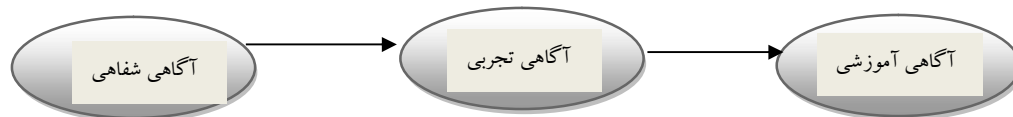
واژگان کلیدی: قاجاریه، آداب دیپلماتیک، آگاهی دیپلماتیک، نظام‌نامه‌ها، مدرسه‌ی عالی علوم

سیاسی.

مقدمه

شرایط جهانی در آستانه روی کار آمدن قاجاریه به واسطه‌ی شکل‌گیری صف‌بندی قدرت‌های بین‌المللی در مشرق زمین دورانی را سپری می‌کرد که بریتانیا در آن به واسطه‌ی انقلاب صنعتی و داشتن مستعمرات عدیده، قدرتمندترین کشور جهان بود و قدرت‌هایی همچون فرانسه و روسیه با آن بر سر منافع در رقابت بودند. پس از صفویه فاصله ایران از مرکزیت نظام جهانی بیشتر شد و با حاکم شدن دوره‌ی پراشوب و لرزان افشاریه و زندیه روند انزوای سیاسی تداوم یافت. تلاش بنیان‌گذار قاجاریه برای احیای حاکمیت سیاسی و ایجاد دولتی متمرکز در پهنه‌ی وسیعی از قلمرو صفویان رویارویی با کشورهای قدرتمند را در پی داشت. درگیری‌های با روسیه بر سر مناطق قفقاز و شکست ایران در این مصاف، ماحصل این رویارویی بود. از دیگر سو بریتانیا با سلطه بر هند برای حفاظت از بزرگ‌ترین مستعمره خود نیازمند ایجاد حاشیه‌ای امن برای آن بود؛ به این منظور وجود دولتی نیمه‌قوی-نیمه‌ضعیف در ایران می‌توانست حائل مابین متصرفات بریتانیا و روسیه ایجاد کند. تأسیس حکومت قاجار در این برهه زمانی، نقطه‌ای ایمن برای جلوگیری از تقابل قدرت‌های بزرگ در منطقه ایجاد می‌کرد؛ بر این اساس و مشخصاً پس از جنگ‌های ایران و روس و دفع خطر فرانسه به‌عنوان نیروی سوم حاضر در ایران، اساس تعامل با ایران بر دیپلماسی و اعمال فشار بدون استفاده از درگیری نظامی قرار داده شد. ضعف دیپلماسی در دوره‌ی اول جنگ‌های ایران و روس، صدمات جبران‌ناپذیری بر تمامیت ارضی ایران وارد آورده بود؛ از این جهت مقامی که پیش‌از این مسئول روابط خارجی و مکاتبات با دول بیگانه بود ارتقا و مسئولیت‌های آن در قالب وزارتخانه‌ای بانام وزارت دول خارجه نمایان شد. وزارت تازه تأسیس خارجه به دلیل نبود سابقه اداری هر چند نتوانست در مناسبات بعدی قدرتمند ظاهر شود اما برای حکومت نوپای قاجاری گامی روبه‌جلو بود که نتوانست پایه‌ای برای تشکیل ساختار حکومت عصر ناصری و بعداز آن باشد. در طول این دوره، مناسبات خارجی ایران با تحولی تدریجی به‌سوی انطباق با قواعد نظام جهانی گام برداشت و مأمورین سیاسی ایران برای همگامی با سیر تحولات نظام جهانی سعی در اخذ و یادگیری قواعد دیپلماتیک جاری در نظام بین‌الملل داشتند. با توجه به توضیحات فوق، در این جستار سعی بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود: منابع آگاهی بخش دیپلماتیک در دوره‌ی قاجار کدامند؟ کاربردستان دیپلماسی قاجاری از چه مسیرهایی قواعد دیپلماسی را می‌آموختند؟ سیر تحول منابع دیپلماتیک از سنتی به مدرن چگونه بود؟ پاسخ به این سوالات موضوع بررسی مقاله‌ی حاضر است.

به نظر می‌آید آگاهی به قواعد دیپلماتیک در دوره‌ی قاجار سیری از آگاهی شفاهی و تجربی به کسب آگاهی از طریق آموزش نظام‌مند را طی کرده است به تعبیری با انسجام و شکل‌گیری ساختارهای وزارت خارجه سطح دانش و آگاهی به قواعد و ضوابط دیپلماتیک نیز متحول و آموزش جایگزین شیوه‌های سنتی کسب دانش دیپلماتیک شد. هرچند در خصوص وزارت خارجه به صورت محدود و در حوزه‌ی تاریخ روابط خارجی به صورت فراوان مقاله و کتاب داریم و شاهد کارهای تحقیقاتی هستیم اما در خصوص پیشینه‌ی این مقاله کاری مستقل صورت نگرفته است با این حال می‌توان از متون و اسناد کهن، رگه‌ها و بلکه مطالبی منسجم در این باره یافت همچنان که بخشی از این منابع در قسمت ترجمه‌ی این مقاله آمده است. مبنای کلی پژوهش حاضر، تقسیم‌بندی است که دوره قاجار را از منظر تحولات نهاد دیپلماتیک آن به سه دوره زیر تقسیم می‌کند: الف: شکل‌گیری و آغاز (۱۲۶۴-۱۲۰۹ ق)، ب: تحول در تشکیلات (۱۳۲۴-۱۲۶۴ ق) و ج: انسجام و همگامی دیپلماتیک (۱۳۴۵-۱۳۲۴ ق). تحولات ساختاری وزارت خارجه نیز بر همین مبنا قابل تحلیل است. بنابراین سیر تحول منابع آگاهی دیپلماتیک نیز که در ارتباط دوسویه با رشد نهاد دیپلماتیک حکومت است با همین تفکیک قابلیت بررسی دارد.



نمودار سیر تحول در کسب آگاهی دیپلماتیک دوره‌ی قاجار

کسب دانش دیپلماتیک مبتنی بر اقتباس

قاجاریه زمانی بر سرکار آمد که ایران دوره‌ای از آشوب و انزوای سیاسی را پس از فروپاشی صفویه تجربه کرده بود. حکومت‌های نه‌چندان پایدار افشاریه و زندیه تنها بر بخش‌هایی از ایران حاکمیت داشتند و توان و قدرت این دو سلسله تنها با مؤسسان آن‌ها نمایان می‌شد. تلاش‌های سیاسی و جنگ‌های خاندان قاجار برای رسیدن به مرکزیت قدرت سیاسی در ایران با تکیه‌ی آقا محمدخان بر اریکه‌ی سلطنت به ثمر نشست. اقدامات اراکلی، فرمانروای گرجستان، پایه و اساس تلاقی منافع ایران و

و روسیه در این دوره شد و روسیه به‌طور رسمی از این زمان وارد بازی قدرت در ایران شد. حکومت قاجار نیز هم به‌واسطه‌ی تهدید حاکمیت و هم حفظ مشروعیت خود، وارد در این جنگ‌ها شد. (بینا، ۱۳۳۳: ج ۱، ص ۲۸-۲۷؛ اتکین، ۱۳۸۲: ص ۱۱۳؛ هدایت، ۱۳۸۰: ج ۱۳، ص ۷۳۸۲) علاقه‌ی مقامات کمپانی هند شرقی تا پیش از قاجار کاملاً تجاری بود اما با افزایش قدرت آن‌ها در هند باعث ورود به عرصه‌ی سیاست نیز شد و از ۱۷۹۸ م-۱۲۱۲ ق. به بعد، عملاً وارد کارزار سیاسی گردید. (رایت، ۱۳۸۳: ص ۱۲) منافع روسیه و انگلیس به‌مثابه‌ی قدرت‌های بزرگ جهانی در شرق و به‌خصوص ایران پس از فروپاشی صفویه و محکم شدن جای پای آن‌ها در منطقه غیرقابل چشم‌پوشی بود؛ از این رو خودبه‌خود ایران نوپا و بی‌تجربه وارد مسائل سیاسی قدرت‌های جهانی شد و ناگزیر به‌تدریج تعامل سیاسی جایگزین جنگ گردید. با بیشتر شدن تعاملات سیاسی کشورهای خارجی با ایران، تنظیم روابط خارجی که تا قبل از این از وظایف منصب منشی‌الممالکی بود در قالب نهادی مستقل درآمد و وزارت دول خارجه تأسیس شد. شکل‌گیری وزارت امور خارجه در میانه جنگ‌های ایران و روس و ضعف ارتباطی و تجربی کاربدستان این سیستم نو که متشکل از شخص وزیر، معاون، منشی و چند سمت دیگر بود زمینه‌ی اخذ و اقتباس دانش دیپلماسی را نه به شیوه‌ی اصولی و مبتنی بر قواعد آموزشی بلکه مبتنی بر تجربه فراهم آورد. در این برهه‌ی زمانی تا آغاز دوره‌ی ناصرالدین‌شاه سبک و سیاق دانش دیپلماتیک مأمورین دیپلماسی ایران در برخورد با مسائل بین‌المللی بر اساس بینش و توانایی شخصی و اخذ آداب دیپلماتیک از طرق مختلف بود. روش‌های سنتی در اخذ دانش دیپلماتیک در این دوره زمانی را می‌توان این‌گونه برشمرد: آگاهی دیپلماتیک از سفرا و مأمورین خارجی و اندک مأمورین و سیاحان ایرانی غرب رفته و سفرنامه‌ها و معاهده‌نامه‌ها که در ادامه به هرکدام خواهیم پرداخت.

سفرا و مأمورین خارجی

از مهم‌ترین منابع آگاهی دیپلماتیک در دوران آغازین قاجار آمدوشد سفرای خارجی به دربار بود؛ به‌طوری‌که شاه و کاربدستان سیاسی جهت بهره‌گیری از دانش و اطلاعات سفرای دول خارجی به پرسش و پاسخ با آن‌ها برمی‌آمدند و شرایط دربارهای اروپایی و رسوم و آداب آن‌ها را جویا می‌شدند. (سایکس، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۴۴۱؛ محمود، ۱۳۵۳: ج ۱، ص ۹۹) کسب دانش سیاسی بدین شیوه که در زمره‌ی کسب آگاهی شفاهی جای می‌گیرد هرچند سطحی و ناکارآمد خواهد بود اما یکی از راه‌های آشنایی به قواعد دیپلماتیک بوده است؛ این به معنای نبودن تشریفات و آداب دیپلماتیک در ایران نیست

زیرا با وجود حافظه‌ی تاریخی و افراد درگیر در قدرت، همواره آداب به شیوه‌ی سنتی و ایرانی آن در محافل سیاسی اجرا می‌شد. (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰؛ ص ۱۴۲-۱۴۱؛ هدایت، ص ۷۵۰۰-۷۴۹۹) مناصب اجرای تشریفات دیپلماتیک به‌مانند مهمانداران ایلچی‌های خارجی و منشی‌الممالک به‌عنوان مجری فرامین شاه در بحث ارتباط با دول دیگر وجود داشت اما دانشی منسجم در این حوزه که با قواعد نظام جهانی منطبق باشد، وجود نداشت از این رو مأمورین ایرانی به‌صورت افواهی تجربیات سفرای خارجی را جویا می‌شدند تا با تمسک به آن بینشی از جهان اطراف خود به دست بیاورند. یکی از مواردی که می‌تواند دال بر ناآشنایی سطوح بالای حاکمه‌ی قاجار به قواعد جهانی باشد نامه‌نگاری شاه ایران با مقامی پایین‌تر از خود است که در عرف دیپلماتیک مرسوم و معمول نبوده است. (بیانی، بی‌تا: ص ۱۰۹) در این دوره بعد از عقد عهدنامه‌ی ترکمنچای بزرگ‌ترین مسأله‌ی دیپلماتیک حکومت قتل گریبایدوف، سفیر فوق‌العاده‌ی دولت روسیه، بود که برای اجرای مفاد مورد توافق طرفین در ایران توقف داشت. سواى توطئه‌ها و دسیسه‌هایی که در این ماجرا نهفته است (آدمیت، ۱۳۶۰؛ ص ۱۱) این واقعه را بعد از عقد عهدنامه ترکمنچای باید دومین آزمون دیپلماتیک وزارت نوپای دول خارجه به زعامت میرزاابوالحسن‌خان ایلچی قلمداد کرد؛ بعد از قتل گریبایدوف کسی جرات نمی‌کرد به سفارت روسیه برود چون همه فکر می‌کردند امپراتور روسیه قصد قصاص دارد. فتحعلی‌شاه علی‌نقی میرزا رکن‌الدوله، پسر خود، را از تهران روانه‌ی تبریز می‌کند و میرزامحمدصادق وقایع‌نگار را هم مامور سفارت پترزبورگ کرد اما قبل از آنکه این مأمورین به تبریز برسند عباس‌میرزا نایب‌السلطنه پسر هفتم خود، خسرومیرزا، را با هیأتی روانه روسیه می‌کند. (آشتیانی، ۱۳۴۰؛ ص ۱۵-۱۴) این آشفتگی در اعزام هیأت عذرخواهی نشان از بی‌تجربگی در عرصه‌ی دیپلماتیک دارد؛ هرچند این هیأت دیپلماتیک به دلیل درگیری‌های روسیه در اروپا و شرایط سیاسی روز بعد از ده ماه و پانزده روز با موفقیت نسبی به ایران بازگشت. این سفر به نسبت طولانی چشم اعضای ایرانی حاضر در هیأت سیاسی را به کاستی‌های ایران باز کرد. نگارنده‌ی سفرنامه‌ی خسرومیرزا به پترزبورگ به درستی نیاز آن روز ایران را در آموزش مدون می‌یابد و عنوان می‌کند که: «اگر دولت اعیان مملکت خواه به مسافرت یا در خواندن السنه و علوم و تواریخ دول دیگر به این آگاهی وامی‌داشت احتمال کلی می‌رفت که از آگاهی اعیان مملکت، آگاهی به عموم رعیت سرایت کند و زبان قدح و شکایت به مدح و منقبت بدل شود و ارادت سلطان در دل‌ها قرار گیرد و به این سبب دولت دوام و ثبات پذیرد.» (افشار، ۱۳۴۹؛ ص ۳۷۴)

آگاهی از ملزومات روابط دیپلماتیک بدون اقتباس قواعد موضوعه بین‌المللی نامیسر است. یکی از راه‌های کسب آگاهی در دوره‌ی آغازین قاجار مسافرت به غرب بود که همواره در اکثر موارد با حیرت همراه بود. میرزا ابوالحسن خان ایلچی در سفرش به روسیه با تعجب از برگه احراز هویتی بانام "باشت‌بورد" یاد می‌کند او در معادل‌سازی این اصطلاح از واژه "فته‌ی مرخصی" که بین ایرانیان معمول و متداول بوده است بهره می‌جوید. (علوی شیرازی، ۱۳۶۳: ص ۱۷۷) او سفر را بدون داشتن این جواز برای اهل روسیه از پایین‌ترین قشر تا بالاترین مقامات دولتی غیرممکن می‌داند. (همان، ۱۷۷) شیوه‌ی اخذ گذرنامه در روسیه از زبان ایلچی بدین‌گونه است: نام کسانی که می‌خواهند گذرنامه یا به تعبیر ایلچی "باشت‌بورد" دریافت کنند سه دفعه در سه هفته متوالی در روزنامه‌ها و اعلامیه‌ها نوشته می‌شد تا مردم از خروج یا قصد سفر او مطلع شوند و اگر بدهی‌ای داشته باشد پرداخت نماید و اگر مدعی‌ای در این مدت پیدا شود تا رفع مشکل، برای آن شخص گذرنامه‌ای صادر نمی‌شد. از دیگر محسناتی که ایلچی حکومت ایران برای گذرنامه برمی‌شمارد مدت معلوم اقامت صاحب گذرنامه است؛ به طوری که دارنده‌ی آن نمی‌تواند حتی یک ساعت فراتر از مدت تعیین شده برای او در محل مسافرت، اقامت نماید مگر اینکه باشت‌برد خود را تمدید کند و ایلچی این انضباط را با حالت تحسین نقل می‌کند. دیگر مزایای گذرنامه که ایلچی به آن اشاره می‌کند ثبت و ضبط عبور و مرور اتباع خارجی، کنترل خروج اتباع داخلی، عایدات دولت از محل فروش گذرنامه و... است. (همان، ص ۱۷۸-۱۷۷) او در مورد عایدات حکومتی از محل اعطای جواز مرور این‌گونه می‌گوید: «دیگر اینکه از گرفتن همین باشت‌برد سالی مبالغ خطیر عاید دولت می‌شود. چرا که هر باشت‌برد که گرفته می‌شود، یک تومان، دو تومان، الی سه چهار تومان خرج دارد و جمعی هستند که در هر جا و هر مکان مأمور بهمین شغل می‌باشند. و باشت‌برد را ثبت و ضبط می‌نمایند و سررشته نگاه می‌دارند و مواجب از پادشاه دارند، و آنچه از این رهگذر بهم می‌رسد بخزانة پادشاه می‌رسانند.» (همان، ص ۱۷۸) این آگاهی هرچند اندک در نتیجه‌ی ارتباط و حشرونشر با کشورهای قدرتمند حاصل شد. شاید ارتباطاتی از این دست نتواند یکباره بینش و آگاهی سیاسی کشوری را دگرگون نماید اما دانش‌های بصری و گفت‌وشنود با سفرا و خارجی‌ها به‌صورت تجربه‌ای درآمد که راه کسب دانش از طریق آموزش را هموار کند.

سفرنامه‌های ایرانیان به غرب

در سفرهای ایرانیان به غرب و روبرو شدن آن‌ها با پیشرفت سیاسی و اقتصادی آن‌ها شاهد «حیرت» هستیم. این مسافران شرقی با ورود به دنیای غرب یا مستعمرات آن‌ها با تعجب، بهت و شیفتگی از پیشرفت‌های اروپاییان می‌نویسند. سفرنامه‌های: تحفه‌العالم اثر عبدالطیف موسوی شوشتری (رک: شوشتری، ۱۳۶۳)، حیرت‌نامه سفرا و دلیل‌السفرا از سفرنامه‌های میرزاابوالحسن خان ایلچی (رک: ایلچی، ۱۳۶۴؛ علوی شیرازی، ۱۳۶۳)، مرآت الاحوال جهان‌نما اثر آقااحمد بهبهانی کرمانشاهی (رک: بهبهانی کرمانشاهی، ۱۳۶۹)، سفرنامه میرزا صالح شیرازی (رک: شیرازی، ۱۳۸۷) تنها نمونه‌هایی از سفرنامه‌هایی هستند که به نوعی پیشرفت‌های سیاسی، اجتماعی، صنعتی و اقتصادی غرب را برای ایرانیان بازگو کرده‌اند. سفرنامه‌های فوق و سفرنامه‌های دیگری که بعد از این‌ها نوشته شدند دید حاکمان دوره قاجار را نسبت به پیشرفت‌های غرب باز کرد. غرب به مثابه‌ی یک شمشیر دو لبه از طرفی می‌توانست از بین برنده افکار کهنه و عامل پیشرفت باشد از طرفی دیگر هراس استعمار و چیره‌گی غرب بر سرزمین‌های تحت سلطه را محتمل می‌نمود.

در این سفرنامه‌ها گزارش‌هایی درباره‌ی نحوه سلوک سیاسی به چشم می‌خورد اما نفس پرداختن به ترقی غرب، دید سیاسیون ایرانی را به عقب‌ماندگی ایران باز کرد. در سفرنامه‌های مذکور، راه، نوع حکومت، فرهنگ، اقتصاد، نهادهای مدرن و بسیاری موارد دیگر که دانستن آن بر آگاهی مأمورین سیاسی اثر می‌گذاشت، موجود بود.

معاهده‌نامه‌ها و قراردادهای سیاسی

در دوره‌ای که ما در این پژوهش با عنوان دوران شکل‌گیری و آغاز مناسبات رسمی خارجی از آن یاد کردیم به واسطه‌ی ارتباطات خارجی شاهد انعقاد عهدنامه‌هایی با دول خارجی هستیم که عهدنامه‌ی ترکمنچای در آن به‌عنوان نقطه‌ی آغاز پروسه مکتوب کردن آداب دیپلماتیک برای ایرانیان به حساب می‌آید. در عهدنامه‌های قبل از ترکمنچای مضمون به گونه‌ای تنظیم می‌شد که نیازهای ایران و تعهدات او در مقابل کمک‌های دریافتی ثقل گفتگو و توافق را تعیین می‌کرد یا اشاره‌ای گذرا به این مطلب که دو دولت روابط حسنه با هم خواهند داشت آنچنان که با دیگر دول در حال تعامل هستند به گونه‌ای که در قرارداد گلستان این موضوع آمده است (ساکما، شناسه‌ی سند: ۱۷۸۲-۲۱۰) اما در عهدنامه‌ی ترکمنچای الحاقی‌های نوشته می‌شود که نحوه برخورد و تعامل طرفین با سفرا و دیگر مأمورین خارجی در آن آمده است. این آغاز هرچند تحمیلی پایه و اساسی شد که در غالب معاهدات

دولت ایران با دول خارجی بخشی به رعایت اصول آداب و نحوه‌ی برخورد با سفرا گنجانده شود. در الحاقیه‌ی عهدنامه‌ی ترکمنچای که با عنوان «در باب تشریفات سفرای دولتین روس و ایران» آمده است با استناد به فصل نهم عهدنامه‌ی مذکور درباره‌ی شرایط پذیرایی از سفرا، وزرای مختار، شارژدافرها و دیگر مأمورین سیاسی با رعایت رسوم طرفین تصمیم‌گیری شده است. (صورت عهدنامه‌ها و قراردادهای، نسخه‌ی خطی شماره‌ی: ۱۵۶۹، ص ۳۷-۳۹) تعیین قوانین و مقررات سیاسی بین دو کشور پایه‌ای برای انجام امور دیپلماتیک شد. کشورهای دیگر همچون بلژیک، اسپانیا و عثمانی که پس از این و در دوره‌ی محمدشاه با ایران عهدنامه بسته‌اند فصولی را به رعایت آداب دیپلماتیک اختصاص داده‌اند. در دوره ناصری و مظفری نیز متاثر از عهدنامه‌ی ترکمنچای دول اروپایی در عهدنامه‌هایی که با ایران منعقد می‌کردند بندی از بندهای توافق را به مبحث سفرا و فرستادگان سیاسی اختصاص می‌دادند. (خورموجی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۱۶؛ صورت عهدنامه‌ها و قراردادهای، پیشین، ص ۵۵-۵۷ و ۵۹-۶۲)

پس از انقلاب مشروطه به سبب تحولات در سطح نظام بین‌الملل وضعیت امور دیپلماسی به گونه‌ای دیگر در عهدنامه‌ها تبلور می‌یافت؛ از آنجایی که ایرانیان با حدود و قواعد پلتیک جهانی آشنا شدند معاهدات با ایران در این دوره بیشتر با اشاره به اینکه قواعد دیپلماسی در حق نمایندگان سیاسی «طبق قوانین بین‌المللی و همچنین قواعد و مقررات جاریه در مملکتین» صورت خواهد گرفت اشاره می‌شد (نوازی، ۱۳۶۹: ص ۲۱۹-۲۱۱) اما همچنان الحاقیه‌های معاهدات بین کشورها در خصوص برقراری حقوق مخصوص به نمایندگان سیاسی منبعی آگاهی‌بخش برای کارکنان وزارت امور خارجه بوده است. در عهدنامه مودت سال ۱۹۲۱ م-۱۳۳۹ ق. که پس از سقوط نظام تزاری با ایران منعقد شد در فصل بیست‌وسوم عهدنامه امور مربوط به تعیین حقوق و صلاحیت کنسول‌ها را موقوف به عقد قراردادی مخصوص در این زمینه می‌کند تا وظایف نمایندگان سیاسی و تجاری پس از الغای حق قضاوت کنسولی مشخص و معین باشد. (همان، ص ۲۱۹-۲۱۸) این مورد نشان از تاثیر بی‌چون‌وچرای معاهدات در تعیین وضعیت مناسبات سیاسی بین کشورها در اواخر دوره‌ی قاجار است.

کسب دانش دیپلماتیک مبتنی بر آموزش

پروژه‌ی آگاهی دیپلماتیک در ایران تابعی از ساختارمند شدن وزارت خارجه در ایران است. این آگاهی همچنان که در مطالب پیشین نیز به آن پرداختیم از کسب دانش تجربی در زمانی که وزارت

خارجه اسما تأسیس شد آغاز و به کسب دانش مبتنی بر آموزش در دوران تحول تشکیلات وزارت خارجه رسید. تشکیلات وزارت خارجه با وجود امیرکبیر و سیستم او در نحوه‌ی اداره‌ی مناسبات خارجی، ارسال مأمورین و آرشیو گزارش‌های آن‌ها نقطه‌ی آغازی در تشکیل حافظه سیاسی مکتوب در ایران است با این وجود قتل او نقطه‌ی گسستی در انجام این پروسه به حساب می‌آید. امیر با سابقه ماموریت سیاسی به کشورهای خارجی خود تحولی نوین در سیاست خارجی ایجاد کرد. دفتر امور خارجه در صدارت او اهمیت زیاد یافت. وزارت خارجه چنان‌که پیشتر نیز به آن پرداختیم در دوره‌های قبلی در وجود وزیر خلاصه می‌شد به همین خاطر نظمی در چیش اسناد و مدارک مربوط به دول دیگر در ارتباط ارتباط با ایران دیده نمی‌شد. با زعامت وی بر وزارت دول خارج از این به بعد شاهد آغاز شکل‌گیری وزارت خارجه در قالب یک سازمان و تشکیلات منظم هستیم و بهتر است گفته شود ایران این دوره در مسیر نیل به تشکیل ساختار جدید وزارت خارجه قرار می‌گیرد. (خسروی‌زاده، ۱۳۹۶: ۴۰) او نخستین سفارتخانه‌های دائمی ایران را در آخرین سال صدارتش - ۱۲۶۷ ق. - در لندن و پترزبورگ تأسیس کرد. (صفی‌نیا، پیشین، ص ۶۱؛ ریاحی، ۱۳۶۸: ص ۹) همچنین سفارتخانه ایران در عثمانی در زمان صدارت او دایر گردید. (خرازی، ۱۳۸۴: ص ۵۴) جایگزین وی، میرزا آقاخان نوری، قدرت، دانش و خلاقیت او در امر حکومت‌داری را نداشت. میرزاملکم‌خان، به‌عنوان متفکر و یکی از اعضا و کارکنان وزارت امور خارجه، زمانی که می‌خواهد بر میرزا آقاخان خرده بگیرد او را به تبعیت از آیین مملکت‌داری دوره‌ی فتحعلی‌شاه محکوم می‌کند و می‌گوید: «آقاخان غافل از این بوده که از آن عهد [فتحعلی‌شاه] تا به امروز [دوره ناصرالدین‌شاه] پانصد سال گذشته است! نقشه‌ی آسیا را پیش خود بگذارید تاریخ این صد سال گذشته را بازنمایید و روش این دو سیل هایل را که از کلکته و پترزبورغ رو به ایران راه افتاده، درست تحقیق نمایید و ببینید که این دو سیل که در اول محسوس نبوده‌اند در اندک مدت چقدر بزرگ شده‌اند؟» (اصیل، ۱۳۸۱: ص ۲۶-۲۷) ارتباط گسترده با غرب بینش سیاسی افرادی همچون ملکم را که در آغاز کار خود با عنوان غیرمعمول و نامرسوم "سفیر کل فرنگستان" مامور به خدمت شده بود و در نهایت سفیر ایران در لندن شد را متحول کرد و این افراد خود یکی از منابع آگاهی دیپلماتیک در ایران این دوره هستند. ملکم با چاپ رساله‌هایی مثل کتابچه‌ی غیبی، پلتیکای دولتی، رساله‌ی رفیق و وزیر و غیره گامی بزرگ در آگاهی‌بخشی و تغییر نگرش اعضای وزارت خارجه و دیگر حکومتیان برداشت. ملکم معتقد به تسری علم و دانش در همه‌ی امور است که دستگاه دیپلماسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. (همان، ص ۲۸) او قبل از این که وزارت خارجه در ایران تشکیلات و نظام‌نامه‌ای داشته باشد با توجه به تجربیاتی که از ارتباط با غرب و وزارتخانه‌های دول اروپایی کسب

کرده است در قالب کتابچه‌ی غیبی که به‌عنوان قوانینی الهام شده به وی در عالم رویا به شاه عرضه کرد چارت سازمانی و تشکیلات اداری وزارت خارجه و وظایف هرکدام از ادارات را به روشنی بیان کرده است؛ (ناظم‌الدوله، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۹۳۰۱، برگ ۱۹-۱۸) امری که سال‌های سال طول کشید تا محقق شد.

در ۱۸۶۸ م-۱۲۸۵ ق. انگلیس‌ها کوشیدند منطقه‌ای بی‌طرف بین متصرفات روسیه و هندوستان ایجاد کنند. (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ص ۱۲) این تصمیم انگلیس بعد از درگیری با ایران بر سر هرات همچنان مورد تأکید بود که ترجیح مأمورین سیاسی انگلیس بر اقدامات کاملاً دیپلماتیک استوار باشد از طرفی روس‌ها نیز برای بقای خود در ایران نمی‌توانستند از تضمین تمامیت ارضی ایران در آن زمان امتناع کنند شاه ایران به دنبال مکتوب کردن این تضمین بود اما چنین امری ناممکن می‌نمود. میرزاسعیدخان مومتم‌الملک، وزیر خارجه ایران، در گفتگو با سفیر فرانسه، به‌عنوان نیروی سوم حاضر در ایران، مطمئن شد که تضمین واقعی حفظ تمامیت ارضی ایران کمتر در پیمان و بیشتر در رقابت‌ها و حسادت‌های دو قدرت روس و انگلیس نهفته است ایران عقلاً برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود خود باید تعادل این دو حریف را حفظ کند. (همان، ص ۱۵-۱۴) تجاوز روس‌ها به قزل‌سو در ۱۸۶۹ م-۱۲۸۶ ق. و اقدامات میرزاسعیدخان با توجه به پشتیبانی نکردن انگلیسی‌ها از ادعای ایران نشانی بر توجه او به گفته‌های سفیر فرانسه است. در این دوران که ساختارهای وزارت خارجه شکل گرفت و تشکیلات آن به دلیل افزایش حجم روابط خارجی منسجم و مدون گردید همچنان با تداوم کسب آگاهی شفاهی و تجربی روبه‌رو هستیم اما نه به‌صورت یادگیری غالب. گسترش امر نگارش کتب و رسائل که خود به نیت آگاهی‌بخشی تولید و تدوین می‌شدند پروسه آگاهی دیپلماتیک را گامی به جلو سوق داد؛ پرداختن سپهر به سفارت‌ها، با آن طول و تفصیل در نسخ‌التواریخ به اذعان خود او هدفی جز انتقال آگاهی به مأمورین دیپلمات ایرانی ندارد. (لسان‌الملک سپهر، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۰) رساله منهای العلی اثر ابوطالب بهبهانی، رساله در اصلاح امور اثر مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله از دیگر آثار هستند که اطلاعاتی حاوی مباحث و مبانی آگاهی بخشی دیپلماتیک در آن‌ها به چشم می‌خورد. (رسایل سیاسی عصر قاجار، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۷ و ۲۸۵-۲۸۴) روزنامه‌ها نیز به دیگر عامل آگاهی در دوره قاجار تبدیل شدند. دیپلمات‌ها از اخبار و گزارش‌های روزنامه‌ها استفاده می‌کردند؛ این پروسه از زمان امیرکبیر و با چاپ روزنامه وقایع اتفاقیه آغاز و تا پایان دوره قاجار به‌صورت سیستماتیک‌تر تداوم یافت. اختصاص ستون‌هایی به اخبار جهان و روابط خارجی دولت‌ها و در سطح داخلی انتشار قوانین مصوب دیپلماتیک گوشه‌ای از اثربخشی روزنامه‌ها در این مقوله است. (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ص ۱۷ و

۴۵؛ روزنامه کوشش، ۱۳۴۲ ق.: شماره ۱۰۱-۹۲) در این دوره کسب مهارت دیپلماتیک از طریق آموزش چیرگی می‌یابد و ماموران سیاسی ایران از طریق مطالعه کتب و روزنامه‌ها که در بالا به آن اشاره شد و ترجمه‌ی کتب اروپاییان که ارتباط مستقیمی با آداب روابط سیاسی کشور داشت و در نهایت امر، تحصیل در مدرسه علوم سیاسی با دانش روز در حوزه دیپلماسی آشنا شدند.

ترجمه

برای تحول در امر آموزش نیاز به وجود منابع معتبر در آن حوزه است؛ در دوره‌ی ناصری این امر محقق شد و مترجمین ایرانی به سمت ترجمه‌ی آثار اروپاییان روی آوردند. دوران پنجاه ساله‌ی سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به واسطه‌ی وقوف حکام و امیران به عقب‌ماندگی ایران در برابر غرب آغاز دورانی گردید که عطش اقتباس از فرهنگ، آراء و تفکرات و دستاوردهای غربی را فزونی بخشید. سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ و آشنایی هر چه بیشتر با مظاهر تمدنی جدید روند اعزام محصلین ایرانی را که از ادوار پیش آغاز شده بود تسریع کرد. توسعه صنعت چاپ و نیاز به هماهنگی با دنیای پیشرفته و لزوم بهره‌وری از آثار و یافته‌های علمی نوین چرخه‌ی ترجمه و نگارش کتب کاربردی و اساسی را به راه انداخت. تأسیس دارالترجمه بر گسترش هرچه بیشتر دانش روز درباریان افزوده می‌کرد و این را می‌توان از ترجمه‌هایی که صورت داده‌اند دریافت به‌عنوان نمونه مثالی برای الگوبرداری از قواعد دول اروپایی از جمله فرانسه دست به ترجمه‌ی قوانین حکومتی آن زدند و ساختار و وظایف دوایر حکومتی آن را از طریق ترجمه‌ی کتب آن‌ها آموزش می‌دادند. (رک: وژژه و لّٰن، بی‌تا: ص ۱۳۳-۱) وزارت خارجه به واسطه‌ی اینکه سمبل ایران و حکومت به شمار می‌رفت و مراودات خارجی و پذیرایی‌ها و مذاکرات از وظایف این ارگان بود در این میان استعداد فراگیری و نوسازی بیشتری را می‌طلبید؛ از این رو با ترجمه و یا نگارش نسخه‌هایی درباره‌ی حقوق بین‌الملل و نحوه‌ی اجرای آداب دیپلماتیک جدید سعی در گره‌گشایی از نقاط کور و نادیده ساختار دیپلماسی خود نمودند. بر همین اساس مترجمین درصدد برآمده و نسخه‌هایی را از آداب جدید و تاریخچه‌ی وزارت خارجه در جهان مورد بازخوانی قرار دادند که مبانی راهبردی و تئوریک وزارت‌خانه را ترسیم می‌کنند. از این دست رساله‌ها در مقام قیاس با دیگر حوزه‌ها تعداد کمی در دست است. ارزش و کاربرد این طیف از منابع در شکل‌گیری بینش و دانش اعضای وزارت امور خارجه و تبیین و تعیین راهکارها و نحوه‌ی برخورد با مسائل حقوق بین‌الملل هویدا می‌گردد. رساله‌هایی از جمله قوانین‌السفراء، اشتهارنامه در قواعد سفراء، رهنمای سفراء، مآثر مهديه، راهنمای سفراء و

نظام‌نامه مأمورین وزارت خارجه از جمله نمونه‌هایی هستند که محققین و پژوهشگران را با زبان دیپلماسی آن دوره و زمانه آشنا می‌کند. نکته جالب و مشترک تمامی این نسخ و رساله‌ها ترجمه-تالیف (۱) بودن آن‌ها است که ما در اینجا به دلیل اهمیت این‌گونه از منابع به معرفی هر کدام خواهیم پرداخت.

قوانین‌السفرا: کتاب قوانین‌السفرا عنوان نسخه‌ی خطی‌ای است که در دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار توسط میرزاابراهیم ملکم از زبان فرانسه به فارسی ترجمه شده و توسط مترجم و به اذعان خود وی دخل و تصرفاتی در آن کرده است؛ در دوره‌ای که تشکیلات دیپلماتیک ایران دوران طفولیت خود را سپری می‌کرد تا به رشد و نمو برسد این نسخه در کنار نسخ دیگری از این دست مبنا و پایه‌ی آگاهی و عمل مأمورین دیپلماسی ایران بوده‌اند. بنابراین و با توجه به این مساله، می‌توان عنوان کرد که نسخه‌ی مذکور راهگشای شناخت بسیاری از مناصب، نشان‌ها، ماموریت‌ها و حقوق و آداب سیاسی بین‌المللی در دوره‌ی ناصری و بعدازآن بوده است. متن نسخه شامل دوازده باب و هشتادونه فصل است که باب‌های آن در خصوص سفرا و ویژگی‌های آن‌ها، مراتب سیاسی مأمورین خارجی و رتبه‌ی سیاسی آن‌ها، حقوق مأمورین دیپلمات، تشریفات مأمورین خارجی، مراتب سیاسی مأمورین سفارتخانه‌ها و آداب تغییر و تبدیل مأمورین آن، تشریفات دیپلماتیک دریایی و مراتب و وظایف کنسول‌ها اطلاعات بکری را در اختیار مأمورین دیپلمات ایرانی قرار می‌داد. (رک: مرتنس، ۱۳۹۴)

اشتهارنامه در قواعد سفرا: این نسخه ادامه‌ی نسخه‌ی قوانین‌السفرا و به نوعی جلد دوم از مجموعه کید دیپلماتیک اثر بران مرتنس فرانسوی است؛ در این اثر نحوه‌ی نامه‌نگاری‌های دیپلماتیک را به جهت آموزش کارکنان وزارت امور خارجه آورده است. به‌مانند نسخه‌ی قوانین‌السفرا مؤلف-مترجم این اثر میرزاابراهیم ملکم است که با انشای میرزامحمود خویی تحریر شده است. نسخه‌ی حاضر در کنار قوانین‌السفرا در صنعت ترجمه‌ی آثار مربوط به وزارت خارجه و کارکرد آن در زمره‌ی اولین آثار از نوع خود است که در آگاهی‌بخشی به مأمورین سیاسی ایران نقشی به سزا داشته است. اشتهارنامه در قواعد سفرا شامل هفت باب است و در موضوع‌های مربوط به تحریر مکتوبات دولتی، نحوه‌ی سلوک دولت با ملت، نحوه‌ی اعزام مأمورین خارجی و قطع مراودات دیپلماتیک، آداب مجالس سلاطین و سفرای داخلی و خارجی، آداب نامه‌نگاری در سطح پادشاهان و حکام کشورها، کاربرد القاب و قواعد مکاتبات جدید بین سفرا، کنسول‌ها و دیگر مأمورین خارجی مباحث جدی‌ای را پیش‌روی وزارت خارجه ایران قرار داد. (رک: مرتنس، بی‌تا)

رهنمای سفرا: کتاب رهنمای سفرا برخلاف دیگر آثاری که در دوره‌ی ناصری و در حوزه‌ی مسائل دیپلماتیک به نگارش درآمده‌اند از آلمانی ترجمه شده است، دیگر آثار این حوزه، همگی از زبان فرانسه یعنی زبان رسمی دیپلماسی آن زمان ترجمه شده‌اند. رهنمای سفرا توسط مسیو مارتسنگ که در خدمت وزارت خارجه آلمان بوده تالیف و توسط ادیب اریب شکیب افندی به ترکی عثمانی ترجمه شده است. میرزا عبدالرسول منشی تبریزی نیز ترجمه‌ی آن را از ترکی به فارسی در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار و با اشاره میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله شروع می‌کند و در سال ۱۳۰۱ ق. در بمبئی به چاپ می‌رساند. کتاب رهنمای سفرا یک اثر دو جلدی است که در جلد اول آن به وظایف و تکالیف سفرا و مأمورین خارجی و در جلد دوم آن به دستورالعمل‌های جنرال کنسول‌ها و کنسول‌ها پرداخته است (مارتسنگ، ۱۳۰۱ ق: ص ۷ و ۱۹-۱۸) اما متأسفانه در هیچ یک از کتابخانه‌ها و آرشیوهای کشور اثری از جلد دوم این اثر یافت نشد. کتاب حاضر دارای شش باب و سی‌وهفت فصل است و به موضوعاتی همچون مناسبات خارجی و وزارت دول خارجه، نحوه انتخاب و اعزام سفرا و مراتب آن‌ها و حقوق و امتیازات مأمورین دیپلماتیک پرداخته است. (ر ک: مارتسنگ، ۱۳۰۱ ق.)

راهنمای سفرا (مقررات و قوانین راجع به وزارت امور خارجه) (۲) و نظام‌نامه‌ی مأمورین وزارت خارجه (۳): این دو نسخه بر خلاف نظر مصححان آن‌ها و عناوینی که برای آن انتخاب کرده‌اند هر دو یکی هستند. تاریخ کتابت راهنمای سفرا ۱۳۰۶ ق. و نظام‌نامه مأمورین خارجه ۱۳۱۴ ق. است اختلاف در سال دلیل بر تفاوت در محتوا نیست. با توجه به موضوع و محتوای آن، به نظر می‌رسد که رساله‌ی فوق در دوره‌ی ناصری به سبب ارتباط بیشتر ایران با کشورهای اروپایی و رفت و آمد سفرا و مأمورین و لزوم آشنایی هرچه بیشتر آن‌ها با اصول دیپلماسی و امور بین دول، از روی متون اروپایی ترجمه و تنظیم گردیده و کاربرد داشته است. این رساله شامل دو جلد است که جلد اول آن شامل یازده باب و جلد دوم رساله نیز شامل یک باب به همراه شانزده فصل می‌شود. جلد اول این رساله به توضیح مرادوات و مناسبات خارجی وزارتخانه، ذکر اوصاف و مولفه‌های شخص وزیر خارجه و مشاغل وی، سفرا و ماموریت‌های دیپلماتیک، درجات و ترتیب رتبه مأمورین دیپلماتیک، ارسال سفرا و آداب آن، حقوق و امتیازات مأمورین وزارت خارجه، تکالیف و ماموریت مأمورین خارجه، ختم ماموریت‌های دیپلماسی و تغییر درجات مأمورین، تشریفات دربارها و تشریفات خارجه و تشریفات بحریه پرداخته است و جلد دوم رساله نیز به وضع و بنای کنسول‌گری، رعایت مناصب و ماموریت کنسول، مأمورین، محاکمات سفرا، معافیت اموال و دارایی سفرا از مالیات و دعاوی، حقوق بست و عبادات مأمورین دیپلماسی، امتیازات و ترتیب درجات و تکالیف کنسول، روابط کنسول با هموطنان خود، حقوق متوفیان

و ورثه آن‌ها، ویس کنسول‌ها، دفترخانه کنسول‌گری و ... پرداخته است. (رک: امین‌الدوله، ۱۳۹۱؛ کیوانی، ۱۳۹۰) رساله‌ی فوق به دلیل توجه ویژه به مباحث آداب دیپلماتیک و تشکیلات وزارت خارجه، مأموریت سفرا و مأمورین وزارت خارجه و همچنین تفکیک مسئولیت‌های محوله و روابط میان دول حاضر اهمیت است.

مأثر مهدیه: مترجم- مولف این کتاب میرزامهدی‌خان شقاقی ملقب به ممتحن‌الدوله از رجال معتبر دوره‌ی ناصری است. وی جزء اولین هیأت محصلان ایرانی بود که به دستور ناصرالدین شاه برای تحصیل به پاریس اعزام شد. پس از بازگشت میرزامهدی از پاریس، از طریق میرزاسعیدخان به سمت منشی مخصوص و مترجم زبان فرانسه در این وزارتخانه مشغول به کار شد. (ممتحن‌الدوله، ۱۳۵۳: ص ۱۵۵) وی در طول خدمت خود در وزارت امور خارجه، به مقام نیابت دوم وزارت، ارتقاء مقام یافت و به مناسبت شغل خویش سفرهایی را به کشورهای اروپایی و آسیایی از جمله ایتالیا، انگلستان، بلژیک، افغانستان، مسقط و ... انجام داد. مشهورترین کتاب وی در زمینه‌ی تاریخ دیپلماسی، رساله مؤثر مهدیه است که می‌توان آن را جزو نخستین ترجمه‌های مربوط به آداب دیپلماتیک و حقوق بین‌الملل دانست. رساله دارای دو جزء است. جزء اول این کتاب شامل سه باب در موضوعات مناسبات عمومی دول مختلف و اصول پلتیکی، حقوق ملکی، تنظیمات دولت‌ها برای برقراری روابط دوطرفه و جزء دوم این رساله شامل چهار باب درباره‌ی احوال دولت‌های متخاصم نسبت به یکدیگر، احوال دولت‌های متفق، احوال دولت‌های بیطرف و اصول مصالحه می‌شود. (رک: ممتحن‌الدوله شقاقی، ۱۳۷۹)

با توجه به مباحث فوق و موادی که در این رساله ارائه گردیده، می‌توان بر این مطلب تأکید نمود که رساله‌ی فوق به دلیل داشتن مواد بکر و بدیع خود در مطالعه‌ی تاریخ دیپلماسی و نحوه‌ی کارکرد اجزاء وزارت خارجه و نیز حقوق بین دول و به ویژه به‌واسطه‌ی آن که جزء اولین کتب مربوط به این حوزه‌ی خاص به شمار رفته و نخستین آگاهی‌های حقوق بین‌الملل را در این برهه‌ی زمانی در دستگاه دیپلماسی ایران به نمایش می‌گذارد، از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است.

آموزش مدون و تشکیل مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی

در کنار انتشار منابعی همچون ترجمه‌ها و سفرنامه‌ها و تعدد آموشد سفرا و مأمورین سیاسی، تولید و تدوین اسناد رسمی از دیگر منابعی است که آگاهی دیپلماتیک در ایران را وارد مرحله‌ای نوین کرد. بر اساس اسناد در دسترس اولین نظام‌نامه‌ی مدون وزارت امور خارجه در ایران سال ۱۲۹۹ ق. و

به زمان وزارت میرزاسعیدخان موتمن‌الملک تدوین شد. (بیانی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۸۰-۷۸؛ توکلی، ۱۳۲۸: ص ۵۸-۵۴) این نظام‌نامه، نقطه‌ی آغاز مکتوب کردن وظایف و شرح تکالیف وزارت‌خانه مطابق با عرف بین‌الملل است. این رویه در سال‌های بعد ادامه یافت و با بازنگری در متن نظام‌نامه و در چند مقطع در سال‌های ۱۳۰۱ ق، ۱۳۱۴ ق، ۱۳۲۶ ق، ۱۳۲۸ ق، و... سند ساده‌ی اولیه که دو صفحه بود به بالای صد صفحه رسید. (رک: کمادات، سند شماره‌ی: ۳/۹۳۹۶؛ کام، نسخه‌ی خطی شماره‌ی: ۱۱۹۹؛ ساکما، ۲۴۰/۲۹۱۶۲؛ ساکما، نسخه‌ی خطی شماره‌ی: ۵/۱۶۶۳۹؛ ساکما، نسخه‌ی خطی شماره‌ی: ۱۲۹۱۴) مأمورین مشغول به خدمت در وزارت خارجه در هر یک از اداراتی که مشغول به خدمت بودند بر اساس دستورالعمل و نظام‌نامه مخصوصی که برای شغل آن‌ها تدوین شده بود عمل می‌کردند. (رک: خسروی‌زاده، ۱۳۹۶: ص ۳۲-۶) بدین ترتیب و پیش از تشکیل مدرسه‌ی سیاسی، آموزش اعضای وزارت خارجه منبعث از آشنایی آن‌ها به قوانین و قواعد بین‌المللی در معاهدات و بهره‌گیری از کتب ترجمه‌ای در قالب تدوین نظام‌نامه و دستورالعمل‌های دیپلماتیک نمود یافت. نیاز به آموزش مدون در ایران از ابتدای دوره‌ی قاجار احساس شد و به منظور تامین نیروهای آموزش‌دیده، کاروان‌های معرفت به اروپا اعزام شدند. محصلان ایرانی در اروپا بعد از دوره‌های آموزشی که می‌دیدند به کشور برمی‌گشته و هر کدام در تخصصی که داشتند مشغول به کار می‌شدند، اما این امر برای تربیت کاربدستان حکومت کفایت نمی‌کرد؛ بنابراین مدرسه دارالفنون که توجه خود را به آموزش فنی در ایران معطوف کرده بود تأسیس شد. همین احساس نیاز در حوزه‌ی روابط خارجی نیز محسوس بود و در سال ۱۳۱۷ ق. منجر به تأسیس مدرسه عالی علوم سیاسی شد. در تأسیس این مدرسه میرزانصرالله نائینی، وزیر امور خارجه، نقش اساسی داشت. در فرمانی که مظفرالدین شاه به مناسبت تأسیس این مدرسه صادر می‌کند به صراحت این جمله آمده است که مستخدمین آینده‌ی وزارت خارجه و سایر دوایر دولتی پس از اخذ دیپلم و تصدیق تمام تحصیل از آن مدرسه وارد خدمت دولتی شوند. (امین، ۱۳۷۸: ص ۹۱) میرزااحسن‌خان مشیرالملک نیز در نطق افتتاحیه‌ی مدرسه هدف تأسیس مدرسه را این‌عنوان کرد که از بین خانواده‌های نجیب و اصیل مملکت شاگرد بپذیرد و دیپلمات‌هایی وطن‌پرست برای آینده‌ی ایران تربیت کند تا آنکه مأمورین وزارت خارجه لیاقت هم‌دوشی با سایر دیپلمات‌های جهان را داشته باشند. (تفرشی، ۱۳۷۰: ص ۵۳) این یک تحول اساسی در شیوه‌ی جذب مأمورین دیپلماتیک و انتخاب کارکنان وزارت امور خارجه به حساب می‌آید. در سال ۱۳۲۷ ق. مدرسه عالی علوم سیاسی به‌صورت رسمی به‌عنوان یکی از ادارات وزارت امور خارجه ایران درمی‌آید. مخارج و هزینه‌های این مدرسه در ابتدای امر از فایده‌ی معادن و عواید تذکره و تفتیش و سپس بودجه‌ی وزارت امور خارجه تامین می‌شد.

مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی برای محصلین خود یک دوره‌ی چهارساله را در نظر گرفته بود که ورودی آن با آزمون کتبی و شفاهی همراه بود. (عاقلی، ۱۳۷۷: ص ۳۵۱) بر اساس نظام‌نامه‌ی شرایط اختصاصی وزارت‌خانه‌ها و ادارات کشوری ۱۳۰۲ ش. برای محصلان مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی که قصد خدمت در وزارت خارجه را داشتند مواد و شرایط درسی از این مواد تشکیل می‌شد: ادبیات فارسی و حسن خط، تاریخ و جغرافیای مفصل ایران، دفترداری برای محاسبات، عهود و قراردادهای ایران با ممالک خارجه، قوانین و نظامات مربوط به وزارت امور خارجه و زبان فرانسه؛ همچنین مستخدمین وزارت خارجه برای ارتقاء باید از عهده‌ی دروس زیر بریابند: حقوق اداری، حقوق اساسی، حقوق بین‌الملل و خصوصی، تاریخ سیاسی، تاریخ معاصر، علم ثروت، حقوق تجاری، حقوق جزایی، اصول محاکمات حقوقی و جزایی، فقه و جغرافیای مفصل جهان؛ در این بین کسانی که به غیر از زبان فرانسه، زبان دیگری می‌دانستند در اولویت استخدام قرار می‌گرفتند و کسانی که در خارج از کشور تحصیل کرده بودند اگر یکی از مواد درسی فوق را نگذرانده باشند باید در آن ماده‌ی درسی امتحان می‌دادند. (ساکما، شناسه‌ی سند: ۲۹۷/۳۰۱۶۴، برگ ۱۱-۹) با گسترده‌تر شدن آموزش در ایران شرایط ورود به مدرسه‌ی علوم سیاسی تغییر کرد؛ به طوری که در سال ۱۳۰۵ ش. داوطلبانی می‌توانستند وارد این مدرسه شوند که شرایط زیر را داشته باشند: شرط سنی پانزده سال، دارنده‌ی مدرک دوره‌ی اول متوسطه یا دادن امتحان ورودی، گذراندن قسمت مقدماتی مدرسه برای ورود به کلاس‌های تخصصی، دارندگان مدرک شعبه‌ی ادبی دوره‌ی دوم متوسطه یا دادن امتحان زبان فرانسه. (روزنامه‌ی نامه‌ی اطلاعات، ۱۳۰۵: ص ۲؛ روزنامه‌ی شفق سرخ، ۱۳۰۵: ص ۳؛ ساکما، شناسه‌ی سند: ۲۹۷/۳۰۱۶۴، برگ ۲۱) بر اساس آخرین تحولات مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی در اواخر دوره‌ی قاجار و اوایل دوره‌ی پهلوی این مدرسه در دو قسمت مقدماتی و عالی فعالیت می‌کرد.

در قسمت مقدماتی دروس شعبه ادبی دوره‌ی دوم متوسطه با توجه خاص به زبان فرانسه تدریس می‌شد و پس از اتمام تحصیلات، مدرک شعبه‌ی ادبی دوره‌ی دوم متوسطه اعطا می‌شد. (ساکما، شناسه‌ی سند: ۲۹۷/۳۰۱۶۴، برگ ۲۱) در قسمت عالی مدرسه نیز دروسی از جمله: حقوق بین‌المللی عمومی، تاریخ دیپلماتیک از ۱۶۴۸ م تا زمان حال، تاریخ معاهدات ایران با دول خارجه و نتیجه معاهدات، فقه: باب معاملات و احکام، علم اقتصاد، حقوق تجاری ایران و اروپای بری و بحری، جغرافیای تجاری و احصائی، اروپای معاصر و منافع دول اروپا در خارج از اروپا، حقوق اداری ایران و ممالک خارجه به انضمام فراگیری زبان فرانسه به‌عنوان زبان اول در کنار یکی از زبان‌های انگلیسی، روسی و آلمانی به انتخاب خود محصل. (ساکما، شناسه‌ی سند: ۲۹۷/۳۰۱۶۴، برگ ۲۳-۲۱) مدرسه‌ی

عالی علوم سیاسی در سال ۱۳۰۶ ش. در مدرسه‌ی عالی حقوق ادغام شد. در کنار مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی عامل دیگری که برای آگاهی مأمورین وزارت امور خارجه تأسیس شد، تشکیل کتابخانه‌ی وزارت خارجه بود. بر اساس نظام‌نامه‌ی این کتابخانه که در سال ۱۳۰۲ ش. تدوین شد، وزارت امور خارجه برای رفع نیازهای اداری اعضای خود، کتابخانه‌ای تأسیس می‌کند که در آن تمامی کتب اعم از آنچه در وزارت امور خارجه موجود یا آن‌هایی که خریداری شده یا می‌شوند و همچنین کتاب‌ها و نوشته‌های غیر محرمانه و مجلات و رسائلی که توسط مأمورین و افراد دیگر به وزارتخانه می‌رسد در محل مخصوص جمع نمایند و در سه دفتر که یکی در کتابخانه و دیگری در اداره‌ی محاسبات و سومی در مواقع لزوم برای وزارت مالیه فرستاده می‌شد ثبت و ضبط نمایند؛ تصمیم بر آن گرفته شد که اخبار تلگرافی، روزنامه و مجلات داخلی و خارجی، کتب و رسائل مربوط به کنگره‌ها و کنفرانس‌ها و رسائل مربوط به احصائیه‌ی ایران و سایر دول هر شش ماه یک‌بار به کتابخانه تحویل داده شود همچنین اعضا می‌توانستند کتاب را با ثبت آن در دفتر مخصوص امانت بگیرند. (ساکما، شناسه‌ی سند: ۳۶۰/۶۷۶۰، برگ ۳) بنابراین و با توجه به سیر تحول آگاهی دیپلماتیک در ایران دوره‌ی اخیر را که بهره‌گیری از نظام‌نامه، دستورالعمل و آموزش‌های سیاسی اعضای وزارت خارجه مصادف با تغییر و تحول در ساختار وزارت خارجه نیز هست، که خود منبعث از تغییر و تحول مناسبات خارجی ایران با دول اروپایی و آشنایی ایرانیان با قواعد و قوانین بین‌المللی بود. تجربیات و آگاهی کسب‌شده از دوره‌ی ناصری باعث احساس نیاز کاربدستان حکومت در حوزه‌ی آموزش مدون شد و این پروسه با تأسیس مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی محقق گردید.

نتیجه

مسئولیت تشریفات و آداب دیپلماتیک در دنیا بعد از قرن هفدهم میلادی در ذیل مسئولیت‌های وزارت خارجه تعریف شد. در ایران به دلیل نبود این چنین ارگانی تا دوره قاجار، وظیفه پذیرایی و مکاتبه با سفرای خارجی بر عهده مناصب دیوانی مختلف از جمله صدارت عظمی، دیوان رسایل و... بود. فشارهای قدرت‌های جهانی از سویی و ناکارآمد بودن سیستم دیوانسالاری قاجاری در پاسخگویی به مراودات خارجی‌ها در ایران باعث تشکیل نهادی جدید به نام وزارت خارجه از درون منصب منش‌الممالکی شد. با تأسیس وزارت دول خارجه در دوره فتحعلی‌شاه، ایران به‌سوی فضای تازه‌ای از تجربه دیوانسالاری در زمینه کنترل و تنظیم روابط خارجی خود گام برداشت. به دلیل نبود آگاهی به

قوانین و قواعد دیپلماسی روز، وزارت تازه تأسیس خارجه به مثابه دستگاه دیپلماسی قاجار بر حول شخصیت وزیر خارجه می‌گردید و عملاً وظایف و قواعد آن در حکم انتصابی که برای وزیر خارجه صادر می‌شد، نمود می‌یافت؛ به همین سبب قواعد دیپلماسی جهانی که در کنگره وین ۱۸۱۵ م / ۱۲۳۰ ق. به تصویب جهان متمدن آن روز رسید در ایران به اجرا درنیامد یا حداقل بر اساس اسناد آرشیوهای موجود آگاهی و علمی نسبت به آن نداشتند. در حالیکه نظام‌های سیاسی جهان بویژه دولت‌های اروپایی با قواعد و مقررات نسبتاً مشخص در عرصه جهانی تعاملات بین‌المللی را دنبال می‌کردند امکان ادامه فعالیت سنتی برای حکومت ایران نه مناسب بود و نه امکان تداوم داشت. از این رو، دیپلمات‌ها و سیاسیون ایرانی دوره‌ی قاجار همگام با سیر تحول نهاد وزارت خارجه راه‌های متفاوتی را در راستای کسب آگاهی دیپلماتیک در پیش گرفتند. در ابتدای قاجار که آغاز دوران مناسبات رسمی در روابط خارجی است و وزارت خارجه به مثابه منشاء تنظیم امور دیپلماتیک محسوب می‌شود، به دلیل نبود تشکیلات منسجم کسب آگاهی از طریق گفتگو و پرسش و پاسخ از سفرای دول خارجی و کسب تجربه در ماموریت‌های سیاسی نمود می‌یابد؛ این منابع در کنار معاهده‌نامه‌های سیاسی سرچشمه‌ی آگاهی ماموران سیاسی ایران را تشکیل می‌دهند. با تشکیلاتی شدن نهاد دیپلماتیک در ایران هرچند موارد فوق همچنان به‌عنوان طرقتی برای کسب آگاهی مورد استفاده قرار می‌گرفتند اما به‌صورت تدریجی این آموزش سیاسی بود که با تدوین مقررات و تالیف و ترجمه‌ی کتب وجه مسلط کسب آگاهی در ایران دوره‌ی قاجار شد. با تقویت این ارکان و تشکیل مدرسه‌ی علوم سیاسی در سال ۱۳۱۷ ق. چرخشی دیگر در نحوه‌ی آموزش دیپلمات‌های ایرانی حاصل گردید. مدرسه‌ی سیاسی محل آموزش حقوق و قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل را آموزش می‌داد و ماموران سیاسی ایران موظف شدند برای کار در وزارت امور خارجه حتماً دروس مربوطه را در این مدرسه آموزش ببینند. به نظر می‌آید آگاهی به قواعد دیپلماتیک در دوره‌ی قاجار سیری از آگاهی شفاهی و تجربی به کسب آگاهی از طریق آموزش نظام‌مند را طی کرده است به تعبیری با انسجام و شکل‌گیری ساختارهای وزارت خارجه سطح دانش و آگاهی به قواعد و ضوابط دیپلماتیک نیز متحول و آموزش جایگزین شیوه‌های سنتی کسب دانش دیپلماتیک شد.

یادداشت‌ها:

۱. منظور این است که مترجم تنها به متن اصلی وابسته نبوده و خود به اقتضای نیاز، مطالب و یا تیترها و حواشی‌ای به آن افزوده است.
۲. راهنمای سفرا نامی است که فهرست‌نویس و سپس مصحح نسخه بر آن گذاشته است. اسمی که بر روی نسخه نوشته شده همان عبارت داخل پرائتز فوق یعنی مقررات و قوانین وزارت امور خارجه است که با شماره‌ی ۰۰۳۶۷ در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی موجود است.
۳. اصل این نسخه با شماره‌ی ۱۱۹۶۱ در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی موجود است.

اتکین، موریل. (۱۳۸۲). *روابط ایران و روس ۱۸۲۸-۱۷۸۰*، ترجمه‌ی محسن خادم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

آدمیت، فریدون. (۱۳۶۰). *آشفتگی فکر تاریخی*، بی‌جا، بی‌نا.

آشتیانی، عباس‌اقبال. (۱۳۴۰). *میرزاتقی‌خان امیرکبیر*، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

اصیل، حجت‌اله (گردآوری و مقدمه). (۱۳۸۱). *رساله‌های میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله*، تهران، نشر نی. افشار، میرزا مصطفی. (۱۳۴۹). *سفرنامه خسرومیرزا به پترزبورگ*، به کوشش محمد گلبن، تهران، چاپخانه اتحاد.

امین، سیدحسن. (۱۳۷۸). *یکصدمین سالگشت تأسیس مدرسه علوم سیاسی در ایران*، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌ی ۱۵۰-۱۴۹.

امین‌الدوله، میرزا علی‌خان. (۱۳۹۱). *راهنمای سفر (مقررات و قوانین راجع به وزارت امور خارجه)*، به کوشش فرهاد طاهری، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و انتشارات سفیر اردهال.

ایلچی، میرزا ابوالحسن‌خان. (۱۳۶۴). *حیرت‌نامه*، به کوشش حسن مرسل‌وند، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.

بهبهانی کرمانشاهی، میرزا آقا احمد. (۱۳۶۹). *مرآت‌الاحوال جهان‌نما*، به اهتمام: علی دوانی، تهران، امیرکبیر. بیانی، خانبابا. (بی‌تا). *سیاست ناپلئون در ایران در زمان فتحعلی‌شاه*، تهران، شرکت چاپ کتاب.

بیانی، خانبابا، *پنجاه سال دربار ناصری*، تهران، نشر علم، ۱۳۷۵.

بینا، علی‌اکبر. (۱۳۳۳). *تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران: از گلناباد تا ترکمنچای*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

تفرشی، مجید. (۱۳۷۰). *مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی در ایران از ابتدا تا تأسیس دانشگاه تهران*، دوره ۱، شماره‌ی ۱.

توکلی، احمد، *تاریخچه وزارت امور خارجه و اولین اساسنامه آن*، تهران، نشریه وزارت امور خارجه، شماره‌ی دوم، ج اول، ۱۳۲۸.

خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله. (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*، به تصحیح: ناصر افشارفر، تهران، سازمان چاپ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خرازی، سعید. (۱۳۸۴). *روابط با آتاتورک و جانشینانش: تاریخچه روابط ایران و ترکیه در دوره پهلوی*، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال چهارم، شماره ۴۰.

- خسروی زاده صباح. (۱۳۹۶). تشکیلات و آداب دیپلماتیک در ایران از آغاز قاجار تا پایان دوره ناصری، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- خسروی زاده، صباح. پورمحمدی املشی، نصرالله. فلاح توتکار، حجت. بهشتی سرشت، محسن. (۱۳۹۶). *دستورالعمل‌های دیپلماتیک در ایران دوره قاجار*، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره‌ی ۱۰۹.
- خورموجی، محمد جعفر. (۱۳۶۳). *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، نشر نی.
- رایت، سردنیس. (۱۳۸۳). *انگلیسیان در ایران*، ترجمه‌ی غلامحسین صدری افشار، تهران، نشر اختران.
- رسایل سیاسی عصر قاجار. (۱۳۷۹). به تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- روزنامه شفق سرخ. (۱۳۰۵). شماره‌ی ۵۸۵.
- روزنامه کوشش. (۱۳۴۲ ق.). شماره‌های ۱۰۱-۹۳.
- روزنامه نامه اطلاعات. (۱۳۰۵). شماره‌ی ۲۷.
- روزنامه وقایع اتفاقیه. (۱۳۷۳). تهران، انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، شماره‌های ۱۳۱-۱۳۰.
- ریاحی، محمد امین. (۱۳۶۸). *سفارتنامه‌های ایران (گزارش‌های مسافرت و ماموریت سفیران عثمانی در ایران)*، تهران، انتشارات توس.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شناسه‌ی سند: ۱۷۸۲-۲۱۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شناسه‌ی سند: ۲۹۷/۳۰۱۶۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شناسه‌ی سند: ۲۴۰/۲۹۱۶۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، نسخه‌ی خطی شماره‌ی: ۱۲۹۱۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، نسخه‌ی خطی شماره‌ی: ۵/۱۶۶۳۹.
- سایکس، سرپرسی. (۱۳۸۰). *تاریخ ایران*، ترجمه‌ی سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، انتشارات افسون.
- شوشتری، عبدالطیف. (۱۳۶۳). *تحفه العالم و ذیل التحفه*، به اهتمام: صمد موحد، تهران، کتابخانه طهوری.
- شیرازی، میرزاصالح. (۱۳۸۷). *مجموعه سفرنامه‌های میرزاصالح شیرازی*، تصحیح: غلامحسین میرزاصالح، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- صفی‌نیا، رضا. (۱۳۲۸). *تاریخچه تشکیل وزارت امور خارجه ایران*، تهران، سالنامه کشور ایران، سال چهارم.
- صورت عهدنامه‌ها و قراردادها، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۱۵۶۹.

- عاقلی، باقر. (۱۳۷۷). مدرسه علوم سیاسی، مدرسه عالی حقوق-دانشکده حقوق و علوم سیاسی، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سری ۲، شماره ۷
- علوی شیرازی، محمدهادی. (۱۳۶۳). *دلیل‌السفرا*؛ سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی، ایلچی، به روسیه، به تصحیح محمد گلین، تهران، دنیای کتاب.
- کاظم‌زاده، فیروز. (۱۳۵۴). *روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴*. پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه‌ی منوچهر امیری، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و تامین منابع علمی دانشگاه تهران (کمدات)، سند شماره‌ی: ۳/۹۳۹۶.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، نسخه‌ی خطی شماره‌ی: ۱۱۹۹.
- کیوانی، مجدالدین (به کوشش). (۱۳۹۰). *نظام‌نامه‌ی مأمورین وزارت امور خارجه*، نشریه پیام بهارستان (ویژه نامه قانون و حقوق)، تهران، شماره‌ی اول.
- مارتسنگ. (۱۳۰۱ ق). *رهنمای سفرا*، میرزا عبدالرسول منشی تبریزی، بمبئی، بی‌نا (سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۲۰۷۷۴-۶).
- محمود، محمود. (۱۳۵۳). تاریخ سیاسی روابط ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، تهران، انتشارات اقبال.
- مرتنس، بران. (۱۳۹۵). *قوانین‌السفرا*؛ رساله‌ای درباره‌ی آداب دیپلماسی زمانه قاجار، ترجمه‌ی میرزاابراهیم ملک، به کوشش صباح خسروی‌زاده و فاطمه امیری‌پری، تهران، انتشارات مهاجر.
- مرتنس، بران. (بی‌تا). *اشتهارنامه در قواعد سفرا*، ترجمه‌ی میرزاابراهیم ملک، تهران، کتابخانه و موزه ملی ملک، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۱/۱۱۷۰.
- ممتحن‌الدوله شقاقی، میرزامهدی‌خان. (۱۳۷۹). *مآثر مهدیه*، [برای] مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ممتحن‌الدوله، مهدی‌بن رضاقلی. (۱۳۵۳). *خاطرات ممتحن‌الدوله*، به کوشش حسینقلی‌خان شقاقی، تهران، امیرکبیر.
- ناظم‌الدوله، میرزاملکم. (بی‌تا). *کتابچه غیبی*، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۹۳۰۱.
- نوازی، بهرام. (۱۳۶۹). *عهدنامه مودت ایران و شوروی «۲۶ فوریه ۱۹۲۱»*، تهران، نشر همراه.
- هدایت، رضاقلی. (۱۳۸۰). *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، به تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، تهران، انتشارات اساطیر.
- وژّه و لَن. (بی‌تا). *قوانین دولت قویه فرانسه*، مترجم رضاریشار پاریسی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۱-۲۲۸۶.